



میرزا رضا مهندس باشی از نخستین مهندسان ایرانی در عصر قاجار

پدیدآورده (ها) : کریمیان، علی
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه استناد :: زمستان 1380 - شماره 44
از 44 تا 57
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92348>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی
تاریخ دانلود : 16/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

میرزا رضا مهندس باشی

از نخستین

مهندسان ایرانی در عصر قاجار

علی کریمیان

در گیرودار جنگهای اوک ایران و روس و متعاقب شکتهایی که نصیب لشکریان ایران گردید، عباس میرزا و قائم مقام وزیر او به این نکته پی بردن که با وسائل ایندیشو و قشون ناهمانگ و نامتحداشکل و سایر کمبودهای موجود، قادر به مقاومت در مقابل تجهیزات و قشون منظم روسیه نتواءهند بود، در جنین موقعیت، دولتمردان ایران ناگزیر از دریافت کمک بودند، در این زمان نایپالنون فیض به علت در گیری هایی که با انگلستان و روسیه داشت، کشور ایران را ز دیدگاه راهبردی مناسب تشخیص داده و جهت پیشبرد مقاصد سیاسی و نظامی خود، آماده برقراری و ارتباط با ایران گردید؛ و به دنبال انفداد معاهده قن کن اشترین، هیاتی نظامی - سیاسی از طرف فرانسه به سوپرستی زیران گاردان در روز ۱۲ رمضان ۱۲۲۲ق/۷ دسامبر ۱۸۰۷م، وارد تهران شد. اعتصاب این هیات، مرکب از مختصمان نظامی، مهندسان جغرافیا، مأمور نفعه برداشت، مترجم، مهندسان، مبلغ مذهبی و طبیب بود، علاوه بر اینها، گاردان با عباس میرزا قرار گذاشت که علاوه بر این، مساعدتهای دیگری، فرانسه به ایران خواهد گرد و هر ساله جمعی از جوانان ایرانی برای تحصیل به فرانسه اعزام خواهد شد، اما متن افغانه مولی نکشید که نایپالنون با تزار روسیه سازش گرد و فتحعلی شاه را در برابر دشمن تنها گذاشت (۱) و همان طور که گفته شد، زمامداران سلطنت، که ناگزیر بودند از علوم و فنون و صنایع اروپایی استفاده کنند، به این نتیجه رسیدند که تنها وسیله این کار، تربیت معلم است. عباس میرزا افایق الشاطئه نخستین کسی بود که به این کار همت گذاشت (۲)، از این‌رو اولین کاروان دانشجویان به همت او برای تحصیل علوم جدید اعزام اروپا شد، این کاروان حركت بود از توکریکی محمد کاظم (۳) پسر نقاش باشی عباس میرزا برای آموختن تقاضی به سک جدید، و دیگری حاجی میرزا بابای افشار، پسر یکی از افسران ایرانی برای فراگرفتن طب و دواسازی (۴) به همراه سفیر دولت بریتانیا، مستعاره فور جوزن بربیج (۵)، علی رغم اتسکال تراشیهای جیمز موریه (۶) در رمضان یا شوال ۱۲۲۶ هجری قمری از تهران حرکت کردند (۷)، بالین که مخارج دانشجویان در دوره اول کم نبود و یکی از آنان هم ضمن تحصیل در گذاشت، باز عباس میرزا پنج محصل دیگر را در روز جمعه دهم جمادی الثانی ۱۲۳۰ هجری قمری برای آموختن دانش و هنر به همراه سرهنگ دارسی - که جا سرگرد لیندزی (Lendzi) و کریستی (Kreisti) و پوتینجر (Pottinger) مدفن سپاهیان ایران را تعلم می دادند و داشتند به بریتانیا باز می گشتدند، روانه آن دیگر کرد تا که در قرون مختلف تحصیل نمایند (۸)، در باب اعزام و تحصیل این پنج نفر، قولوغل خان (کلشن دارسی)، در نامه‌ای به جیمز موریه نوشته است: «والا حضرت ولیمه (عباس میرزا) جون دید که مقدمات سفر فراهم آمده است و من عازم انگلستان هستم، از من خواست که پنج نفر ایرانی را برای تحصیل باخود به انگلستان بیوم و خرج سفر و مخارج مکفی یک سال آنها را هم، الازمیش به من داده است...» (۹)، اسامی محصلین از این قرار بود:

۱. میرزا سید جعفر، پسر میرزا تقی، وزیر تبریز برای رشته مهندسی.

۲. میرزا محمود صالح شیرازی (کازرونی)، پسر حاجی باقر خان، برای تحصیل زبانهای خارجی و حکمت طبیعی و تاریخ.

۳. میرزا محمد جعفر، برای آموختن علم طب و شیمی.

۴. میرزا رضا سلطان توپخانه، برای تکمیل دانش و فنون توپخانه.

۵. استاد محمد علی چخماق ساز، شاگرد جیه خانه نیریزی جهت فراگرفتن آهنگری و چلنگری (فقل و کلیدسازی) و چخماق سازی (۱۰).

عباس میرزا



در این مقاله به اجمالی به معرفی میرزا رضا
با میرزا محمد رضا مهندس تبریزی (۱۱)، که یکی از
از محصلین و از دانشمندان دوره قاجاری بود،
می پردازیم.

وی در سال ۱۲۰۳ق. متولد شد و ظاهرآ
پذوتش در تشکیلات حکومتی تبریز، زیر نظر
عیباس میرزا به کار دیوانی یا مستوفی نظام
اشغال داشته است. (۱۲)

گویا میرزا رضا قبل از اعزام به انگلستان
برای ادامه تحصیل، به عنوان مهندس شهرت
داشته و به مأموریت‌های نیز اعزام شده است از
جمله در سنه ۱۲۲۸ش. شوال المکرم سنه ۱۲۲۸ق. ۱
دوازدهم اکتبر ۱۸۱۳م. در اردیوی گلستان که در
آن، جنرال ریشچوف سردار گرجستان و میرزا
ابوالحسن خان ایلچی دولت علیه ایران، با
اختیار تمام از دولت‌های خود و با وساطت
سرگور اوژلی ایلچی دولت انگلیس،
ماه موریت داشته مراتب مصالحه بین دولتین
ایران و روسیه را مضبوط و برقرار، و سرحدین
دولتین را مشخص کنده بگونه‌ای که بعد از
تریب فراورداد با رضای طرفین، عهدنامه
همایون تمام و یامهر دولتین مشهور و نگه داشته
شود. پس از آن، حرکت خلاف عهدنامه از
جنرال ریشچوف ظاهر شد و مدتی بعد جنرال
برملوک جاتشین وی گردید. او سپاهی با توب
به طرف رود چندر فرستاد و به جیر، محل
مذکور را تصرف کرد. رعایای مناطق تصرف
شده، ملتیجی به نواب نایب السلطنه شدند.
امتی دولت در صاده مذاکره برآمدند، لکن اثری
نیخشد. ناگزیر صلاح در این دیدند که هیأتی
مرکب از محمدحسن خان ایشک آفاسی،
سرکار نواب نایب السلطنه و میرزا رضا مهندس،

با جهان نمای (۱۳) سرحدات و با رفم دوستی، نزد جنرال برملوک، روانه همیلس نمایند که عاقبت متنج به نتیجه نگردید و

هیات پس از سه روز بدون توفیق در دستیابی به نتیجه، مجبور به بازگشت شد. (۱۴)

میرزا رضا در سن بیست و هفت سالگی، برای تحصیل در وشنه توپخانه و فن قلعه سازی و استحکامات (۱۵) به همراه
چهار نفر محصل نامبرده، در سال ۱۲۲۰ق. به انگلستان اعوان شد. (۱۶) او در هنگام اعزام، سلطان توپخانه و یا به اصطلاح

ุมول در ارتش هند در آن روز، «صوبه دار توپخانه بوده است. (۱۷)

میرزا رضا، طی چهار سال تحصیل در آکادمی نظامی سلطنتی «وول ویچ» (Wool Witch) در لندن، رشته مهندسی را با
تحمل خدمات و ناراضی‌های فراوان با موفقیت به پایان رسانید. (۱۸) و در سال ۱۲۳۴ق. به همراه دیگر محصلان به ایران
بازگشت. (۱۹) به هر یک کاری ارجاع شد. میرزا رضا هم در لشکر آذربایجان زیر نظر عیباس میرزا مشغول به کار گردید. (۲۰)
نویسنده «تاریخ مؤسسه نمادنی»، به نقل از سفر نامه میتفورد (Miford) درباره میرزا رضا می‌نویسد: «... مادر آن جاییک ایرانی
دیگر را هم ملاقات کردیم، میرزا رضا که او هم برای تحصیل فن قلعه سازی، استحکامات و غیره مدتی در انگلستان بوده
است. وی در حصن چندان تخصص و مهارت نیافته است و در یک موقع نزدیک بود سر خود را بر پاد دهد، زمانی که
عباس میرزا شاه بود عیباس میرزا نایب السلطنه بودن شاه، می‌ضوردیه انتباوه او را شاه نوشته است. آشاه او را واجع به موضوعی
مریبوط به استحکامات محلی سوالی کرد و او تقاضانمود، اجازه دهنده کتابش مراجعته کند، شاه وقتی دید که خودش هم

موتواند با مراجعته به کتاب جواب سوال را بگوید و احتیاجی ندارد که از بابت مرد خدمت مبلغی به او پردازد، دستور کشتن او را داد، اما به رایگان جان بدر برداشت، اما ظاهراً آنوسینده درباره این قضیه دقت و تحقیق کافی نکرده و سرسی گرفته است، چرا که صحبت از پادشاهی عباس میرزا می‌کند و حال آن که این صحیح نیست و انگهی استدلال او خیلی است در سال ۱۲۵۰ق. الهمارخان اصف‌الدوله، دامی محمدشاه، به جای قهرمان میرزا، عمومی محمدشاه، به حکومت خراسان منصوب شد^(۲۳) میرزارضا نیز به تقاضای وی به خراسان اعزام شد.^(۲۴)

من تقاضای اصف‌الدوله، چنین است:

هو . خداوندگارا مرحمت شمارا جندی قبل، فرمایشی از جانب اقدس همایون(۲۵) شاعنشاهی شده بود که نواب ولی نعمت نایب السلطنه روسی فدام، یک نفر معلم ماهر از آلین جای برای تویخانه بیارکه مأمور و روانه دارند. لهداعلیجه میرزارضا را که از جمله تربیت یافتگان سرکار والا و مدتها در انگلیس مانده و در این فن کار کرده، درس خوانده منت کرده و مشق داده و ایرانی و خودمانی بود مأمور و روانه و رقبمه هم در باب اوجه خداوندگار اعظم مرقوم داشته‌اند اگر چه ماهر است اما ظاهر است که مدام نظر شفقت و التفات بارگاه عالی به حال او شامل نشود نه مصدر خدمتی می‌تواند شد نه خدمتی که بکند جلوه خواهد کرد. امیدوار به این است که در هر باب و هر مورد مرحمت و توجه خاطر شریف را از آن دریغ ندارند. این بنده نیز کمان امیدواری و استطهار به لطف سرکار داده و به این جهت نیز رحمت افزای عربستانگار شده زیاده چه رحمت دهد. چون خبر تازه نیو، به همین قدر اکتفا کرده و مرا حمایت خدام عالی نصرمود. الحمدلله... امن و آرام کامل و حاصل است و امری که خلاف مقصود باشد، واقع نیست. ایام جلالت مستدام باد، والسلام. عریضه ادب فریضه حضور مرحمت ظهور، بندگان جلالت ننان خداوندگار، اعظم اصف‌الدوله العلیه دام اقباله

۱۲۵۰ سال صدارت اصف‌الدوله

میرزارضا، بعد از گسیل به خراسان، ملقب به «مهندس باشی» است. او در سال ۱۲۵۳ هجری فرعی در لشکرکشی محمدشاه به هرات شرکت حست و قلعه‌هایی برآورده است و سرگرهایی بنا کرد.^(۲۶) (مؤلف «ناسخ التواریخ» درباره نلانش مهندس باشی در جنگ هرات می‌نویسد: «... فرمان شد نا قلعه هرات را حصار دهد روز شنبه بیست و هفتم شعبان ۱۲۵۳ هجری فرعی ایشان را از جهار سوی جنیش کرد. محمدخان ماکوئی امیرتومان^(۲۷) به جانب شرقی قلعه هرات شده در برایر دروازه قندھار فرود آمد. موسی سیعونف، مهندسون فرانسه، که در علم هندسه، استادی نامیردار بود. تا قرمانی لشکر او شاه، سرگر



شهر و قلعه هرات در سال ۱۸۷۹ میلادی

محمد شاه

رامست کرد، و سربازان را حفر کردن مارپیچ دکنده ساختن زمین و پیش داشتن سنگر یاموشت. محمدولیخان سرتیپ تنکابنی با فوجهای جنگجوی قزوین به سوی دیگر شد و جنرال یروسکی، مهندس نشکر او بود؛ و حاجی خان امیربهادر جنگ در برابر برج حاکستری جای کرد و میرزا رضا مهندس باشی تبریزی، نشکر او را آموزگار گشت ... لشکر امیربهادر جنگ در [حضور] حضرت پادشاه معروض داشت که مرا اجازت فرمای تا به قلعه هرات بورش برم ... پادشاه دیگر سخن نکرد و حاجی خان این سکوت را موجب رضا شناخته به سنگر خویش شافت و مارپیچ نشکر خوبیش را به خندق شهر پیوسته کرد و سربازان به مهندس میرزا رضا چون روز تاریک شد، خندق را بائمه کرد و بدان سوی خندق جای گرفت ...^(۲۸) بعد از آن مهندس باشی بر حسب دستور حاجی میرزا آفاسی، صدراعظم، مأمور ترجمه کتاب «صواعق النظام» شد و او در رمضان سال ۱۲۵۴ق. یعنی یک ماه پس از ورود محمدشاه به تهران، آن را به پایان رسانید.^(۲۹) مهندسین در سال ۱۲۵۵ق. میرزا رضا با هدایای گرانیها به تزد للهعلیٰ توره‌ای (شاهرزاد) والی خوارزم مأمور گردید. در این زمان به سفارت خوارزم مأمور شده بود، که با مراسله للهعلیٰ، والی آن اهالی دیکو از میرزاگان اویک با هدایای زیادی به تهران بازگشت.^(۳۰)

میرزا رضا در زمان ناصرالدین شاه، از مهندسان خبره به شمار می‌رفت و از وجود او در کارهای مهندسی استفاده می‌شد.^(۳۱) در این زمان، میرزا نقی خان امیرکبیر، به فکر تأسیس مدرسه دارالفنون اختاد، به میرزا رضا مهندس باشی امر کرد که نقشه بنای مدرسه را طرح کند. او نیز نقشه را با تصویر کلی و پنداشت ذهنی از نقشه عمارت سربازخانه نهول ویج (النگلیس طرح و آماده کرد. بعد امیرکبیر، محمدعلی معمار (۳۲) را به ساختن مدرسه تعیین کرد. محمدعلی از دوی نقشه‌ای که میرزا رضا در اوآخر سال ۱۲۶۹ق. ترسیم کرده بود، بنای دارالفنون^(۳۳) را زیر نظر شاهزاده بهرام میرزا آغاز کرد.^(۳۴) امیرکبیر نیز با علاقه بسیار غالب ایام شخصاً عملیات ساختمنی و پیشرفت کار را ناظارت و سریرستی می‌کرد. بطوری که در اوسط سال بعد، ساختن اتفاقی سمت شرقی ساختمان مدرسه پایان یافت و قبل از این که سفر معروف پنج ماهه ناصرالدین شاه به نقاط مرکزی ایران (قوزین، همدان، ملایر، اصفهان، بروجرد، کاشان، قم و غیره)، که در نیمه دوم سال ۱۲۷۷ق. صورت گرفت، آغاز شود، امیر ترتیب نهیه و سایل اثناهی مدرسه را به صورتی که در خور، یک مدرسه عالی باشد، داد.^(۳۵) و بدین شکل مدرسه دارالفنون در شمال شرقی ارگ شاهی، که قبلاً سربازخانه بود، بنا نهاده شد.^(۳۶) و به نقل از روزنامه وقایع اتفاقیه، بنانی عالی و مفرحی جدید مشتمل بر پنجاه حجره^(۳۷)، «نقش مذهب و سمع بود.^(۳۸)

محمدحسن خان اعتمادالسلطه، در تاریخ منتظم ناصری، درباره طراحی دارالفنون توسط میرزا رضا می‌نویسد: «... در این سال در اویگ همایون، مدرسه مبارکه دارالفنون ساخته شد. اگرچه شروع به ساختن و اقدام به بنانی این محل منيف و مکان رفع فی الحقيقة در سال قفل شد، ولی در این سال خجسته عالی ساخته امده طرح این بنارا میرزا رضا مهندس باشی کرد و به مهندسی محمدعلی خان معمار باشی بنانمودند و سمت شرقی آن را به اتمام رسانیدند و معلمین لوازی برای تعلیم علوم جدیده و انکشافات تازه و ائمه مختلفه دول ایویا از فرنگستان طلبیدند...^(۳۹) و علاوه بر آن چون هر ساله مضرد بود که جمعی از حکیم‌باشیان ایرانی و فرنگی و اشخاصی که از این علوم باجهه بوده‌اند و در زبان فرانسه مهارت داشتند، یک ماه



امیر کبیر

متولی از فرد فرد شاگردان امتحان می‌گرفتند،
یکی از اساتیدی که امتحان می‌گرفت،
مهندسان باشی بود.^(۴۰)

در طرحهای دیگری که در زمان امیرکبیر
بدست مهندسان باشی انجام گرفت بنای «سد
ناصری» بود. در زمان فتحعلی شاه، حفر
شعبه‌ای از رودخانه کرخه، موجب گردید که
پست رودخانه تغیر پذیرد و قسمت پیش آب
آن به هدر برود. این شعبه را در پنج فرسنگی
بالای حوزه از سمت راست کرخه جدا کرده
بودند، اما به علت سراشیبی زمین و سستی
خاک و قوت آب، گسترش و عمیق شدن و پیشتر
آب کرخه به مجرای ناوه افتاد که از وسط
حوزه می‌گذاشت. سدهای موقتی هم جسته
شد، ولی آب همه را برداشت. آن زمینهای
که از کرخه سراب می‌گشت رو به ویرانی
نهاد و از منطقه‌ای که مالیات محصول آن در
سال سی و شش هزار تومان بود، چیزی عاید
نگردید. در زمان محمدشاه بیش خواستند سد
اسنواری برویا کنند، باز هم به جائی نرسید. در
۱۲۶۷ خانلر میرزا احتمام‌السلطنه به حکومت
خوزستان و لرستان رفت، و مأموریت
عمله‌اش ساختن سد بزرگی بروز کرخه بود.
اعتبار این کار ده هزار تومان در نظر گرفته شد.
امیر در یکی از دستورهای خود به مشیرالدوله
در ۱۴ رمضان ۱۲۶۷ نوشته: «برای تعمیر بند
حوزه و شوستر و قلعه سلاسل و هوان توان
از بابت مالیات اذن دادم که به استحضار شما،
مقرب الخاقان سهام دوله خرج نماید. و آنها
را به طور خوب و پاکیزه مانعه و تعمیر نماید
و خرج با مصرفی باشد. کاغذی هم به خود
مقرب الخاقان در این باب نوشته، فرمادام به
او برسانند. مخدوماً انجام این عمل و اعتماد
مخارج آنچه‌ای را به شما و اطیبان شما و اکدار
گردم که انشاء... تعالیٰ اقراراً درستی بدھیا...
بعد از آنکه مالیات دیوان خرج می‌شود، چیر
ما مصرفی باشد. بعد هر طور قرار دادید تفضل
آن را به دوستدار بتویسید.

سد را ساختند، اما باز طفیان آب، سد را
شکافت. این بار امیر میرزا رضای مهندس را روانه کرد. او نقشه تازه‌ای ریخت و یک هزار و پانصد کارگر به ساختن سد
ببورگی برداختند که در ۱۲۶۸ تمام شد. و همان است که به سد ناصری شهرت یافت. نوشته‌اش که صد هزار تومان خرج آن
گردید.^(۴۱) در زمان صدارت میرزا قاضی خوری، میل و اراده شاه بر این فرار گرفت که علاوه بر مجلس شورای دولتی،
مجلس مصلحتخانه برای امور دولت غریب دهد که این مجلس در سال ۱۲۶۷ ق. با عضویت تعدادی از رجال مرشنس.^(۴۲)
از جمله: میرزا رضا مهندس باشی تشکیل شد. و باست این مجلس مصلحتی باعیشی خان اعتمادالدوله بود و به قول
اعتمادالسلطنه: «... اعضای موظف بودند همه روزه از صبح تا چهار ساعت به غروب مانده در مجلس مخصوص، اجزای بشنیدند

و گفتگو در مهام کشور و نشکر نمایند و انتظام کلیه امور و آسایش رعیت و آبادی مملکت و ترقی دولت را در مد نظر داشته باشد.^(۴۲)

بعد از ساختن این سد و بنای دارالفنون، شاهدی بر فعالیت‌های مستمر میرزا رضا در دست نیست. شاید به دوزگار صادرات میرزا فاختان نوری که کلیه افرادی که مورد توجه امیر بودند، خانه نشین شدند. میرزا رضا تیر خانه نشین شده باشد.^(۴۳) نیز از مشاغل و مناصب وی اطلاعات دقیق وجود ندارد. فقط اعتماد اسلطنه یک بار به عنوان مستوفی حاضر رکاب^(۴۴) در ضمن وقایع جمادی الاولای ۱۲۹۷ق. نوشته است که ناصرالدین شاه، میرزا رضا مهندس باشی را به یک هزار تومان انعام و یک حلقه انگشتتری العاسم مباهم فرمود.^(۴۵) از فراین معلوم، او در اواخر عمر وضع مالی مناسب نداشته، به طوری که در سنند ذیل درخواست میرزا حسین مشیرالدوله از ناصرالشاه در هنگام سفر به عتبات، درخصوص بریتانی میرزا رضا مهندس یاشی و ترفیع درجه و منصب دو نفر از کارگران از نیویست.

قریان خاک پای جواهر آسای مبارک اقدس همایون شو.

بر رای آفتاب ضیای مبارک واضح و روشن است که در این سفر خیریت از، عبدالحید میرزا کوشش و جهد خود را در خدمتگزاری و تحصیل روسیه‌ای در خاک پای همایونی به جا آورده فوج قزوین را در این سان طویل با کمال نظم و آرامشگی حرکت داد که از میان تنوجهات خاطر خنثی آفتاب ثالث همایونی در انفلار خارج و داخل باشکوه و جلوه و شان واقع شد و آنی از خدمت غفلت نکرد. هرگاه در حق او ز جانب سنت الیوناب اقدس همایون ملوکانه روحنا فداء، امیاز و مرحمتی مبارک پیشود و در اول حدمت از آن حالت شوق جان تواری که در جوانی دارد دور نیست یافند و اگر در این سفر منصب به او الثفات و میرینجی به او مرحمت شود.

و همسچین میرزا علی خان سرهنگ نوبخانه، که توجیهای جمیعی خود را در این سفر بیست از، در کمال نظم و درستی حرکت داد و خود او هم جوان قابل ولایق و سزاوار مشمول مرحمت است. ارتفاع منصب به او عنایت شود که از دوی شوق جان‌نثاری نماید و روزبه روز تربیت و ترقی حاصل نماید.

این فدوی به هر که وعده و اطمینان مشمول مرحمت خایونه و ترفیع درجه داده و برعهده گرفته است نارای جهان آرای همایونی چه اقتضا فرماید. هر دو هم قابل و از روی انصاف سزاوار و مستحق عنایت می‌باشد. الامر الائمه الاعلى مطاع

رضاحان مهندس نیز در این سفر با خیریت و ظفر، به تدریج که در قوه داشت در ترتیب خیام نصرت انتظام و تعیین مکان اردوی کیوان شکوه و اراستن وضع و طرح اماکن متزیین رکاب مستطاب بدل جهد و جان‌نثاری نموده هر گاه از شمول الطاف ملوکانه مفتخر آبه ولاست و میان امثال و اقران خود بروز البته موجب تشویق جان‌نثاری دیگران خواهد بود و



دورنمای بخشی از تهران و حیاطه و بنای دارالفنون

مقروض و پریشان و مستحق پنجاه تومان انعام داشت. امید داشت که از این مرحمت و عطیه همایونی مفتخر شود تاریخ جهان آرای مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه چه اقتضا فرماید.^(۴۷)

و حتی در این سال، اعلان ذیل را درخصوص فروش متراس در روزنامه دولت علیه ایران به چاپ و سانده: اعلان میرزا رضا مهندس باشی، خانه خود را که در نزدیکی دروازه شیراز و محاذی عمارت جدیدی که به جهت سفارت دولت بهمیه روسیه ساخته است. می فروشد. هر کس طلب باشد، روزهای دوشنبه و پنجشنبه رحمت کشیده به تفضل خواهد دید.^(۴۸)

میرزا رضا در ربيع الثانی ۱۲۹۹ق. در سن ۶۰ سالگی بر اثر حادثه ای زندگی را بدرود گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد.^(۴۹) اعتقاد السلطنه که در مجلس ختم مهندس باشی شرکت کرده در ذیل یادداشت‌های روز دومنبه غرمه ربيع الثانی ۱۲۹۹ قمری، درباره مهندس باشی و حادثه ای که منجر به مرگ او شده، می‌نویسد: «مجلس فاتحه خوانی میرزا رضا مهندس باشی بود. میرزا نو و شش سال عمر داشت. در زمان عباس میرزا ای تایب السلطنه ظاهرآ هفتاد سال قبل با میرزا جعفر خان مشیرالدوله مأمور شده بود و رفته بود لدن تحصیل کرده بود. بیار آدم قابلی بود. زبان انگلیسی را کاملاً می‌دانست. در هذمه و قلعه سازی مهارت کامل داشت. با این کیفیت سر باز مشاغل داشت. لما چشم او نمی‌دید و این که مرد حادثه بود نه از اجل طبیعی. به این تفصیل به جهت قضای حاجت، از بالاخانه خواسته بود بیرون بیاید. به جای این که در مهتابی را باز کند، در رو جیاط را باز کرد». از چهار ذرع افتاده بود کله اش به زمین آمد و تلف شد. دوشنبه همین ماه مرحوم شد.^(۵۰)

تألیفات میرزا رضا مهندسی باشی:

غیر از کارهای عمرانی و قلعه سازی، تعدادی نسخ خطی از میرزا رضا مهندس باشی در کتابخانه های کشور وجود دارد که در این مقاله با استفاده از کتاب فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی «گردآوری شده توسط سید عبدال... افوار و سایر منابع، به معرفی این نسخ می پردازیم»

تاریخ تزیل و خرابی دولت روم (جلد اول)

میرزا رضا پس از مراجعت از انگلستان، در توبیخانه لشکر آذربایجان مشغول به کار شد. او از طرف عباس میرزا، مامور ترجمه کتاب «تاریخ تزیل و خرابی دولت روم (جلد اول)» اثر گیلان یا گیون^(۵۱)، تاریخ نگار نامدار انگلیسی^(۵۲) شد. میرزا رضا در سال ۱۲۹۷ق. آن را به فارسی ترجمه کرد.^(۵۳) در حال حاضر، تنها جلد اول این اثر نفسی موجود و به شماره^(۵۴) در کتابخانه ملی تبت شده است و اطلاعاتی از این که میرزا رضا موفق به ترجمه تمامی مجلدات این اثر شده یا نخیر و در صورت توفیق در ترجمه، هابق جلدها وجود دارد یا نه، در دست نیست.^(۵۵)

این کتاب که از معروفترین تاریخهای راجع به روم قدیم است، با تشرییح وضع جغرافیائی روم آغاز می‌گردد و پس از شرح مفصلی از تاریخ آن کشور، به ذکر قحطی ای که در آن سرمهین اتفاق افتاده، می‌پردازد و با ذکر آن نسخه انجام می‌پذیرد. نسخه حاضر در حدود ۲۶ صفحه فهرست دارد که در آن، یک یک مطالب مذکور در متن، با ذکر صفحه آمده است. ترجمه از متن انگلیسی است.

آغاز: جلد اول تاریخ تزیل دولت روم مشتمل است بر ده فصل و فصل اول در بیان وسعت و لشکر مملکت روم در عهد سلطنت این تو سلطان.

انجام: خلاصه کلام به این طریق دولت و مملکت روم روز به روز روی در تزل نهاده بود.

آخر نسخه: جلد اول به عنوان ملک اول و ابد در دریم شهر رمضان المبارک من شهرسته هزار و دویست و چهل و هفت هجری در دارالصنایع خوی باقی ماند.

نستعلیق: دوم رمضان ۱۲۹۷ق. «دارالصنایع خوی، متحتملاً متوجه سر فضای باهر کتب قرآن، هنیل او فهرست بیک صفحه وجود دارد که می‌رساند صفحه قبل از اتفاق است و در این صفحه، ترجمه سبب اشتباه خود را ایام عباس میرزا ادکنی گویند: من اینده و خدمتگزار شاهزاده چهلانگیز هیرزا بوده‌ام و در زمان حکومت چهلانگیز هیرزا در خوی این کتاب ای انگلیسی ترجمه شده و به صفاتی محمد حسن بیک به خواسته نزد دیلمهند فرستاده شد. جلد تسبیح، قرآن، متوالی، ۲۹۹۵۹۷۲ کاعده فرنگی فستقی، ۲۹۷۱

۲۸۰۰ کامل، ۲۲۰۰، ۲۱۰۰، ۲۰۰۰ در میان ۵۳۴۱ در میان ۵۵۵۰^(۵۶)

تاریخ پظرکبر

این ترجمه شده دیگری که به میرزا رضا منسوب است، ترجمه کتاب «تاریخ پظرکبر» تالیف ولر، مورخ و فلسفه فرانسوی است.^(۵۷) این کتاب را میرزا رضا، در زمان عباس میرزا از انگلیسی به فارسی ترجمه و میرزا حسن شوکت اصفهانی

(۵۷) منشی سفارت عنمانی در تهران که علاوه بر فرکی، به زبان انگلیسی نیز سلطط کامل داشته و در ادبیات فارسی و عربی متبحر بوده است. در انشای کتاب از متن انگلیسی با میرزارضا مهندس باشی مشارکت داشته. (۵۸) این کتاب در ایران و هندستان به طبع رسیده است.^(۵۹)

خانیبا مشاور، گردآورنده «فهرست کتابهای چاپی فارسی» درباره تعداد چاپهای این کتاب آورده است:

- تاریخ پظرکبیر، ترجمه موسی جبرئیل به عربی، ولتر، ترجمه میرزارضا سرابی، انشای میرزا حسن شوکت به فارسی، پیش، ۱۲۸۳ق.

- تهران، ۱۲۶۳ق. به تصحیح محمدعلی، سنگی، رحلی، ۲۸۸ص، با تاریخ شارل دوازدهم و تاریخ اسکندر.

- پیش، ۱۳۱۳ق. (جلد اول) سوانح عمر امیراطوری رویه، معروف به تاریخ پظرکبیر و شارل دوازدهم و امیراطوری سوند، سنگی، رفعی، ۲۰۹ص، با تاریخ اسکندر در یک جلد.^(۶۰)

تاریخ ناپلئون اوی

اثر دیگر به جا مانده از میرزارضا، ترجمه کتاب «تاریخ ناپلئون اوی» است. مولف کتاب «ادبیات نوین ایران پیش از تهضیت مشروطیت» درباره این کتاب می‌نویسد: تاریخ ناپلئون در زمانی ترجمه شد که محمدشاه برای دفعاری با ترکمانان عازم گرگان بود. او در فیروزکوه به محمدزاده مهندس تبریزی «دستور داد تا این کتاب را از انگلیسی به فارسی برگرداند». (۶۱) میرزارضا، در سال ۱۲۵۲ق. ترجمه آن را به امر محمدشاه شروع و در سال ۱۲۵۳ق. به اتمام رساند. این کتاب قدیعی ترین و کامل ترین اثر ترجمه شده درباره ناپلئون بناپارت به زبان فارسی است.^(۶۲) تاریخ ناپلئون در سی هزار بیت است که رضاقلی نویس آن را اصلاح و تحریر نموده است.^(۶۳) نسخ متعددی از آن در گنجینه خطی کتابخانه های ایران، از جمله کتابخانه ملی به شماره های (۱۲۷۸، ۱۹۱۵، ۱۹۱۶)،^(۶۴) و کتابخانه ملک به شماره ۴۲۵۱ موجود است.^(۶۵) همان طور که بیان شد، این کتاب چند بار نسخه برداری شده که سید عبدالا... احوال گردآورنده «فهرست نسخ خط کتابخانه ملی ایران» در معرفی نسخ نسبت شده به شماره ۱۹۱۵،^(۶۶) اهدایی به ناصرالدین شاه موجود است. در این جا برای مقایسه دو نسخه بالا، به معرفی آنها می پردازیم:

تاریخ ناپلئون اوی (به شماره ۱۲۵۷ا)

متوجه، میرزارضا تبریزی، سال ترجمه ۱۲۵۳هـ.ق.، اهدای به محمدشاه قاجار.

متوجه که از دربار ایران قاجار و از فاضلان و فرنگ رفتگان زمان بوده، همان میرزارضا مهندس باشی، از تختین محصلان اعزامی ایران به اروپاست. بر حسب امر محمدشاه مأمور می شود تاریخ ناپلئون را از زبان انگلیسی به فارسی برگرداند. این دستور، به سال ۱۲۵۲هـ.ق. در فیروزکوه به او ابلاغ می گردد.

او، با وجودی که از ملازمان حضور در جنگ هرات بوده، ولی برای امتیاز امر به تهران باز می گردد و ترجمه را به سال ۱۲۵۳هـ.ق. به پایان می برد و تقدیم محمدشاه می کند. مطالب کتاب شامل شرح حال ناپلئون اوی از روزگار کودکی تا دوران شکن از در واترلو و اسارت درست هلن می باشد.

آغاز ترجمه: ترجمه کتاب ناپلئون، که از فرانسی به انگلیزی و از انگلیزی به فارسی ترجمه شده است، بجمله سالکان مالک هژروری و گوی ریایان جلگه فصاحت گشتی را سرست آن و.

افحاص: و این وصیت نامه من که ناپلئون، بالتعام به دستخط خود نوشته و به دستهای خود در حال سور و اختیار دستخط گذاشته ام و جمهور داشتم، والسلام.

پایان نسخه: تمت الكتاب فی غرة شهر صفر من شهر سنه ۱۲۵۷

نسخ، اوی صفر ۱۲۵۷، ۱۲۶۳ق.، محتفله هواران، اهدای به پیغمبر میرزا اویل عباس میرزا اول اهل عباس با همراه کتب فرموده دی بعضی جملات نامر کتب فرم خط کشی شده، جلد: تیمچه، قرآن، مقوایی، ۳۶۵۸۰۵، کاغذ، فرنگی، ۲۵۱، ۲۲، سطر کامل، ۱۱۸، ۲۰، ۱۱۳ق.^(۶۷)

تاریخ ناپلئون بناپارت، جلد اوی (به شماره ۱۲۵۸ا)

متوجه، میرزارضا مهندس به تصحیح میرزارضا قلی تاریخ نویس، تاریخ ترجمه: چهاردهم ۱۲۶۶ق.، اهدای شده به ناصرالدین شاه غازی.

این کتاب که از ماه خذ اروپائی ترجمه شده، از بیان نسبت ناپلئون شروع می شود و به فتح شهر امتو به دست قوای ناپلئون خاتمه می یابد.

آغاز: فصل اول در باب آیا و اجداد اعلی حضرت ناپلئون بناپارت در آیا و اجداد آن حضرت اختلاف و خلاف بسیار

است.

انجام، که شهر را با آبرو تسلیم سپاه فرنگ کرد و ملامت از جانب دولت برای او حاصل نگشت.

آخر نسخه، این تاریخ بتایارت نایلون را علاوه بر دو جلد دیگر، که سی هزار بیت من باشد و به تاریخ پر زرگ علاوه و افزوده گشته، میرزا رضا مهندس، حب الامر شهنشاه خلاد آشیان و خسرو فردوس مکان نورا... مرقد، بردا... مضجعه جعل... مع محمد واله الطاهرین محشره از زبان فرنگی ترجمه کرده و حسب الحکم جهانمعاط اعلیحضرت قادر قدرت، میلیون حشمت، سکندر شوکت، حامی پیشه اسلام و ماسی زنگ طلام از لوح خاطر آنان، اعلیحضرت ناصرالدین شاه غازی اطلاع... اطلاع شوکت و دولت‌الی یوم القیامه، میرزا رضا نقاشی تاریخ نویس با صلاح عبارت و تحریر کتابت آن پرداخته. تمّ فی شهر جمادی الثانیه من شهرور سنه ۱۲۶۶.

نتیجه شوش، جمله‌الله ۱۲۶۷، میرزا رضا نقاشی تاریخ نویس، سر فصلها با مرکب قمر، ذرا نیز دو جدول، آدور مطبود داد و سیاه و آبی لایرینی دارد و سیاه، روی اسناد، تاریخ با مرکب قمر خط کشیده شده است. جلد، سلفی، سیاه، تریخ و نیم تریخ دارد، منگه سیز، ضربی، مغولی، ۱۲۶۸-۱۲۷۰. کاغذ، ترمیم، ۱۲۶۹-۱۲۷۰. کاغذ، ترمیم، ۱۲۷۰-۱۲۷۱. سطر کامل، ۱۵۰-۱۴۹. سطر کامل، ۱۵۱-۱۴۹. درین سطر، ۱۲۷۱-۱۲۷۰. این میزان مقایسه می‌شود.

صواعق النظام

ترجمه دیگر مهندس باشی، کتاب «صواعق النظام» است. این نسخه، به شماره ۳۰۰۰۰۰ اف در گنجینه نسخ خطی کتابخانه ملی ثبت و ضبط و مشخصات این نسخه به شرح ذیل می‌باشد:

مترجم: محمد رضا مهندس تبریزی، ترجمه: ۱۲۰۴، ق. ۱، اهداء به: محمد شاه قاجار.

در این رساله از مباحثتان توب و خمباره و ترتیب گلوله و عرآده و سایر آلات و ادوات حریبه سخن رفته است. اصل آن یادداشت‌هایی بوده که به زمان معاصر، هرات به روزگار محمد شاه قاجار تهیه شده و میں طویله از آن، برگزیده‌ای ترتیب داده و با مقایسه آن با کتابهای فرنگی، این رساله را در یک مقدمه و سی و دو باب تالیف کرده است. میرزا رضا مهندس باشی، از تحسین محصلان اعزامی ایران به ایوان است.

مقدمه، بدین شرح آغاز می‌شود: فصل اول، درین اوزان مطابق قانون اسلام؛ فصل دوم: درین مقایس موافق با قانون اسلام؛ فصل سوم: درین اوزانی که در تویخانه و قورخانه پادشاهی مداول است ...

پس از مقدمه، ایواب آن می‌آید و در آنها از تاریخ ساختن توب و استعمال آن و آرامتن میدان جنگ به وسیله توب و ... انواع فشنگها و خمباره‌ها بحث شده است.

آغاز، بسمه، حمد و سپاه معبودی و اسرائیل که مدعی ذاتست و مختار موجودات. انجام ... و درین باب، آب بهترین و بزرگ ترین معین است به این معنی که صدا بر روی آب در مقابل خشکی می‌رود. پایان نسخه، توت الک الوهاب فی خمسه عشرین شهر شوال المکرم فی سه ۱۲۵۶.

نتیجه، هشتاد و هشت، قرن سیزدهم، ق. ۱، سر لوحه مذهب، ذرا شترف و لاچورد، در صفحات اول و دوم میان دو جدول خانیه گل و بوته دارد شترف و لاچورد، هیاهات سطور ملائکه‌داری، سر فصلها با مرکب قمر، مجدول، آ. جدول دو سطوار ذرا و سیاه، آ. جدول بوگه، آ. سطر کامل، ۱۲۷۰-۱۲۷۱. کاغذ، قرنی، ۱۲۷۰-۱۲۷۱. درین مقایسه می‌شود.

رساله‌ای در فشنگ

نسخه دیگری، که مهندس باشی ترجمه کرده، با عنوان «رساله‌ای در فشنگ» و به شماره ۳۰۰۰۰۰ اف در مجموعه نسخ خطی کتابخانه ملی موجود است.

مترجم: محمد رضا مهندس نویجی تبریزی، سال ترجمه: قرن سیزدهم، ق. ۱، اهداء به: حاجی میرزا آقا اسی در دوران صدرات حاجی میرزا آقا اسی برای اصلاح سلاح و قورخانه ایران، تجدیدنظر در اسلحه و قورخانه می‌شود و اهل قن نیز رسالاتی درین زمینه نهیه می‌کنند که از آن جمله، این رساله است و به قول مترجم کتاب (محمد رضا مهندس باشی)، از تحسین شاگردان اروپا رفته ایرانی) «آنچه درین رساله ثبت افتاده مخصوص برای استعمال فشنگ در امور عسکریه و عمل و نقل آن به میدان جنگ و ذکر منفعه‌های آن است در هرصه جنگ»، این رساله که ظاهراً از متنی خارجی (به احتمال از انگلیس) ترجمه شده، دارای یک مقدمه و ۱۷ فصل است، در مقدمه، از فواید فشنگ جنگی بحث شده و در فصل اول، سبب تالیف کتاب ذکر گردیده و در بقیه فصلها، از طرز ساختن و شیوه استفاده از فشنگ در میدان جنگ سخن رفته است.

آغاز، بسمه، سیحانک لاحصی نتا علیک کما ثبت انت على نفسک.

انجام، و چنان به یکدیگر وصل کنند که جای و صله‌های هیچوجه بلندی و پستی نداشته باشد که وقت اندامخت هانعی به هم وسیله باشد. شکر که این، نامه به عنوان رسید.

نتیجه، قرن سیزدهم، ق. ۱، محتوا امتحم، سر لوحه ذرا شترف و لاچورد، سر فصلها با مرکب قمر، جدول

دور سطوده دو سیاه و قرمون، جدول بیرونی فرموده، دارایی ده، لوحه نقاشی آب و درنگ، دارای نه رشته در اول کتاب، جلد، طلاق شال، عطف و لکرون پیمای فرموده، ۲۹۰۸۲۵. کاشف، رنگی، ۵۰ برگ، ۱۶۰۰۰۱۵۰، ۳۳۶۷۴۵. (۱۶)

کلیات سعدی

جز نسخ معرفی شده، نسخه‌ای از «کلیات سعدی» با شماره ۲۰۳۴، در گنجینه کتابخانه ملی، با مشخصات ذیل وجود دارد که محمد رضا تبریزی به استعمال مهندس باشی آن را تنظیم کرده.^(۶۹) این نسخه، بدین شرح تقطیم شده است، از صفحه یک تا پانچ، مقدمه جامع کتاب، از صفحه ۷، با سر لوحه پنجه و زرد و فرمز نا صفحه ۲۱ مجالس سعدی، از صفحه ۲۲، با سر لوحه زرد و پنجه و فرمز گلستان تا صفحه ۹۰ از ۹۱ تا ۲۰۶، بوستان، از ۲۰۷ تا ۲۱۷، قصاید هربی، از ۲۱۸ تا ۲۶۴، قصاید فارسی از ۲۶۵ تا ۳۷۲، ترجیح بند از ۳۷۲ تا ۳۹۴، مطیيات مرتب شده بر حسب ترتیب حروف تهجی آخر قوافی، از ۳۹۵ تا ۴۷۲، خواتیم مرتب شده بر حسب ترتیب حروف آخر قوافی، از ۴۷۳ تا ۵۰۹، غزلیات قدیم، از ۵۰۹ تا ۴۸۴، صاحبیه از ۵۰۹ تا ۵۲۵، هزلیات، از ۵۲۵ تا ۵۳۶، رباعیات مرتب بر حسب تهجی آخر قوافی، از ۵۳۶ تا ۵۴۱، مفرادات، مطالب در متن و حاشیه.

آغاز: سعمله، شکر و سپاس معبدی جلت قدرته که آفرینده مخلوقات عالم است...

پایان، من، سخن راست توشتمن، تو اگر راست نخوانی
جرم لیلاج ناشد، چو تو شطرنج ندانی
نشنیلیق، ۱۶۶۹. ق. محمد رضا تبریزی: سر لوحه مذهب زرد و مشترف و لا خود و سیر، مرفصله‌ای از که فرمود، روی
جملات عربی با مرکب فرم خط کشی شده، جدول دور مطبود دو سیله، جدول خارجی (رویده و آین)، دنباله‌من در حاشیه به
خط حسابی، کاشف اندیشه جلد، پیاج فرمود، تونخ و نیم تونخ، منگه زرد، کوبیده، مقوایی، ۱۶۷۰. کاشف، فرنگی، ۱۶۷۰، ۱۶۷۱.
برگ، نام‌نامه کامل، ۱۶۷۱.

جهنم‌لیایی و روبدبار قصران

آقای کیانفر، از نسخه دیگری به نام «جهنم‌لیایی و روبدبار قصران»^(۷۰) مسوب به مهندس باشی نام می‌برد و درباره این نسخه، می‌نویسد: «... نسخه خطی دیگری موجود است به نام «جهنم‌لیایی و روبدبار قصران» که تویسته آن حاجی محمد میرزا مهندس است که رقمه کتاب ۱۲۹۳ را داراست و محمدعلی نفرشی، کتابت کرده است، مولف نسخه را به سپهسالار اعظم تقدیم کرده است و معمتملاً از میرزا رضا مهندس باشی است. زیرا تویسته این رسانه، مدعاً است «سالها در سرحدات ایران مشغول نقشه برداری بوده و علاوه بر این، در آذربایجان و گیلان و گرگان و عراقین عرب و عجم، مشغول جان ثاری بوده و به تعیین حدود و نقشه کشی و قلعه‌سازی و حرکات عسکریه از پرداخته است. با توجه به شاختی که از میرزا رضا مهندس باشی به دست آمد، نامبرده در نقشه کشی و قلعه‌سازی مهارت داشته و بخصوص در نظام هم خدمت کرده، بتاری این حاجی محمد میرزا تبریزی، کسی غیر از میرزا اسمحمرضا تبریزی مشهور به مهندس باشی نمی‌تواند باشد. مؤلف، در این رساله، مصفحات الار و روبدبار و لواسانات و دماوند را نقشه برداشته و همچنین در این رساله درباره دره یلاقات مزبور، که عبارت از روبدبار قصران»^(۷۱) باشد. به طور مفصل بحث می‌کند.

و نیز اعتماد السلطنه، در ضمن بیان وقایع سال ۱۲۹۸ق. به بازدید ناصرالدین شاه از مدرسه در القتون اشاره می‌کند که مخبر الدله، وزیر علوم، در هنگام بازدید شاه، کتابها و نقشه‌هایی که در زمان وزارت او اعم از تألیف و ترجمه به چاپ رسیده‌اند، از نظر شاه می‌گذراند که از همه مهمتر، می‌توان به نقشه جهنم‌لیایی که میرزا رضاخان و میرزا محمودخان مهندس ترسیم کرده بودند، اشاره نمود.^(۷۲)

میرزا عباس خان، فرزند میرزا رضا مهندس باشی نیز، از محصلان دولتی اعزام به خارج بود.^(۷۳) وی، بعد از تحصیل مقدماتی، به مدت هشت سال تمام در مدرسه پلی‌تکنیک پاریس به تحصیل علوم ریاضی مشغول بود و بعد از بازگشت از فرانگستان، به بعضی از خدمات سرحدی مامور و به منصب سرتیپ دویسی برقرار شد. او، در سال ۱۲۹۸ق. سمت نشریه‌اتچی نظام و سفر را داشته و مخاطب به «مهندس حضور» بوده است.^(۷۴)

پانویس‌ها

۱- قاضیها، فاضمه، دارالفنون، گنجینه، دفتر دوم (زمستن ۱۳۹۸) ص ۲۰۰.
۲- صدیق، عیسی، پیشنهای که به دیشه فرمند و ده شد، ماهنامه وحدت، میان اول، شماره سوم (سنت ۱۳۹۹) ص ۱۶۰اب.
۳- ایوس ای هجدو، ماه در انگلیس به پیاری سل در گذشت.

۴- حاضری، علی محمد، روزنامه اسلام دانشجو در تهران (تهران: انتشارات سنت، ۱۳۷۷) ص ۲۸.



